

نظام‌سازی قرآن بنیان؛ چستی، چرایی و چگونگی

حسین بابایی مجرد^۱: استادیار، گروه مدیریت اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
محمد عبدالحسین زاده: کارشناس ارشد، گروه مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع)

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم

سال نهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۷، صص ۲۹-۴۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳/۱۰/۹۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۹/۰۱/۹۷

چکیده

نظام‌سازی در زبان عرف و بعضاً اهل علم، مشترک معنوی برای چهار مصداق نظام‌شناسی (در ساحت تکوین)، نظام‌یابی (در ساحت تشریح)، نظام‌سازی (در ساحت اعتباریات) و نظام‌گذاری (در ساحت عینی) است. هرچند به طور خاص، نظام‌سازی ناظر به اعتبارات و قراردادهای اجتماعی است که در هر خرده‌نظام وضع می‌شود، اما نگارنده معتقد است نظام‌سازی بالمعنی‌الاعم جامع هر چهار ساحت بوده و قرآن مجید نیز به عنوان منبع معرفت‌شناسی دینی در ساحت چهارگانه قرار دارد. بر این اساس هر ساحت به حسب آن ساحت است. اگر فرایند نظام‌سازی مورد غفلت بوده یا ابتناء بر معارف قرآنی نداشته باشد فرایند حل مسائل و چالش‌های نظام مبتنی بر واقع‌گرایی و ایده‌آل‌گرایی توحیدی صورت نخواهد پذیرفت. بنابراین خرده‌نظام‌های مختلف اجتماعی، حلال مسائل کاذب یا غیراولویت‌دار، تحمیلی و جهت‌گیری شده به سوی ایده‌آل‌های غیراسلامی خواهند بود. این انحراف از منابع متقن دینی، از یک‌طرف عامل عدم توفیق نظام اسلامی در تحقق اهداف مادی و معنوی خود و در نتیجه تشکیک نخبگان نظام و عامه مردم در هویت انقلابی نظام اسلامی است و از طرف دیگر منجر به استقرار خرده‌نظام‌های اجتماعی غیردینی و زمینه‌ساز استبداد (هرچند صغیر) و استکبار (هرچند بخشی) و تشکیل حکمرانی سکولار (هرچند به طور نرم و خزنده اما تثوریزه شده) می‌شود. فرایند نظام‌سازی، اعتبار‌سازی در قالب حرکت از مبادی به سوی مسائل (علم اجمالی به مبانی در شناسایی و اولویت‌دهی به مسائل) و حرکت از مسائل به همراه مسائل به سوی منابع (جهت بازخوانی) و اصطیاد یا اصلاح (بازتعریف) مبادی (علم تفصیلی به مبادی) و در نهایت حرکت از مبادی (تفصیلاً) به سوی مسائل جهت تعریف، تشریح، احساس و حل مسائل است؛ هرچند باید توجه داشت در این حرکت مبتنی بر اجمال و تفصیل، انعطاف و درون‌زای در اصلاح‌گری، تدرج در تحوّل و جریانی بودن، جزء متمم نظام‌سازی تلقی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: نظام‌سازی قرآن بنیان، منابع نظام‌سازی، مبانی نظام‌سازی، مسائل نظام‌سازی، اعتباریات.



۱. مقدمه

مفهوم‌شناسی نظام‌سازی همیشه در طول منازعات و مجادلات علمی، محل نقاش و معرکه آراء بوده است. شاید از مهم‌ترین عللی که مناقشه بر سر این واژه را موجه می‌کند، عدم اشتراک مناقشه‌کنندگان بر سر تعریف نظام و بالتبع مفهوم‌شناسی ترکیب نظام‌سازی است. این مناقشات، زمانی ابعاد وسیع‌تری به خود می‌گیرد که عدم اشتراک در مفهوم‌شناسی این واژه، در دو بستر معرفتی متعارض و در نگاهی خوش‌بینانه، متباین، یعنی اندیشه اسلامی و اندیشه غرب تفکری طرح شود. این تباین در مبادی معرفتی یا همان پارادایم، سؤال‌ها، پاسخ‌ها، اتجاهات، انتظارات و در یک کلام، نوع نگرش به نظام‌سازی را متباین می‌کند. لذا پراکندگی در تعاریف واژه نظام‌سازی از یک سو و اعتقاد نگارنده بر آنکه واژه نظام‌سازی در وضع تعینی، دچار تحولات و تطورات متناهی شده است مسیر تحقیق را به سوی تبیین هم‌معنای لغوی و هم‌معنای اصطلاحی در اندیشه متفکرین اسلامی و غربی سوق می‌دهد.

۲. چستی نظام‌سازی قرآن‌بنیان

۱،۲. معنای لغوی نظام

آنچه از بررسی اکثر کتب لغت معتبر مانند: کتاب العین، تهذیب اللغة، المحيط فی اللغة، لسان العرب، مجمع البحرین، معجم مقاییس اللغة، قاموس المحيط و الصحاح می‌توان در مورد معنای صحیح لغت نظام که از ریشه نظم گرفته شده است به دست آورد انضمام و همراه کردن چند چیز به یکدیگر است؛ توضیح آنکه به رشته درآوردن و همراه کردن دانه‌های تسبیح و یا مروارید و یا هر چیزی با ماهیت اینگونه، انتظام نام داشته و به خروجی‌ای که از این عمل به دست می‌آید نظام می‌گویند (فراهیدی، ۱۴۱۶ق، ص. ۱۶۶؛ ازهری، ۱۴۱۲ق، ص. ۲۸۱؛ صاحب بن عباد، ۱۴۲۲ق، ص. ۳۶؛ ابن منظور، ۱۴۰۷ق، ص. ۵۷۹؛ طریحی، ۱۳۷۵، ص. ۱۷۶؛ مرتضی زبیدی، ۱۳۰۷ق، ص. ۶۹۰؛ فیروز آبادی، ۱۴۲۱ق، ص. ۱۵۵؛ جوهری، ۱۴۲۶ق، ص. ۲۰۴۱).

۲،۲. معنای اصطلاحی نظام

معنای اصطلاحی نظام و سیستم را می‌توان در ادبیات اندیشمندان غربی به‌خصوص در حوزه علوم اجتماعی و در ادبیات اندیشمندان اسلامی، خاصه در دایره فقه شیعی دریافت.

۱،۲،۲. معنای اصطلاحی سیستم (نظام) در ادبیات غربی

تعاریف متعددی از سیستم^۱ یا نظام در اندیشه متفکران غربی ارائه شده است که برخی از مهم‌ترین آن تعاریف در جدول ذیل آمده است:

جدول ۱: تعاریف سیستم از نگاه اندیشمندان غربی

اندیشمند	منبع	تعریف از سیستم
اشبی (Ashby)	Ashby, 1960, p. 125	سیستم، مجموعه‌ای از متغیرها است که به وسیله یک ناظر انتخاب شده‌اند. این متغیرها ممکن است اجزاء یک ماشین پیچیده، یک ارگانسم یا یک موسسه اجتماعی باشند مطابق این تعریف، سه موضوع را باید از یکدیگر ممتاز کرد: یک واقعیت (شیء مشاهده شده) = Machine یک برداشت (درک) از واقعیت = System یک بیان (نمایش) از برداشت صورت گرفته = Model
گیب (Gibbs)	Gibbs, 1978, p. 76	سیستم، بخشی از جهان واقعی است که محقق آنرا انتخاب کرده و در ذهن خود به منظور بحث و بررسی تغییرات مختلفی که تحت شرایط متفاوت ممکن است در آن رخ دهد تجسم می‌کند.
راسل ایکاف (Ackoff)	Ackoff, 2000, p. 146	سیستم مجموعه‌ای از دو یا چند عنصر ۲ است که سه شرط زیر را داشته باشد: هر عنصر سیستم بر رفتار و یا ویژگیهای کل ۳ سیستم، مؤثر است؛ بین عناصر سیستم از نظر رفتاری و نوع تأثیر بر کل سیستم، وابستگی متقابل وجود دارد؛ هر زیر مجموعه سیستم، بر رفتار کل سیستم مؤثر است و این تأثیر حداقل بستگی به یک زیر مجموعه دیگر از سیستم دارد.
رابرت دال (Robert Dahl)	Dahl, 1984, p. 45	هر مجموعه از عناصری که بتواند به نحوی به طور متداخل با یکدیگر عمل کند، می‌تواند به صورت سیستم تکرر شده شود. کهنشان‌ها، قوه‌های مقننه و احزاب سیاسی هر کدام یک سیستم هستند
تالکوت پارسونز (Talcott Parsons)	Parsons, 1951, p. 214	سیستم اجتماعی سه خصوصیت دارد: وجود روابط متقابل بین دو یا چند جزء؛ معناداری رفتار احتمالی هر جزء در نسبت سایر اجزاء مبتنی بر روابط متقابل؛ تعقیب اهداف مشترک.
آنتونی گیدنز	Radcliffe – Brown, 1952, p. 140	هر سیستم مشکل از اجزای سازمان یافته و نسبتاً پایدار است که می‌توان از آن‌ها به عنوان نشانه‌های عطف در تحلیل سیستمی استفاده کرد.

۱،۱،۲،۲ ویژگی‌های تعاریف سیستم از نگاه اندیشمندان غربی

- ۱) کل‌نگری: اجزاء با محیط خود یک کل را تشکیل داده و ترکیب حقیقی دارند.
- ۲) ترکیب اجزاء در عین امکان تجزیه آن‌ها: اجزاء در عین حال که با یکدیگر ترکیب (به طور حقیقی) شده‌اند لکن استقلال خود را از دست نداده و امکان تجزیه برای آن‌ها متصور است (وحدت اعتباری).
- ۳) روابط متقابل اجزاء: میان اجزاء روابط متقابل و ارتباط وجود دارد اجزاء جهت تحقق اهداف سیستمی، متقوم بر یکدیگر هستند.
- ۴) هدفمندی کارکردی: انسجام و یکپارچگی اجزاء سیستم در جهت رفع یک نیاز و تحقق یک کارکرد یا هدف است. لذا می‌توان سیستم را «مجموعه‌ای از اجزاء و روابط میان آن‌ها دانست که توسط ویژگی‌هایی معین، به هم وابسته یا مرتبط می‌شوند و این اجزاء با محیطشان یک کل را تشکیل می‌دهند.» (رضائیان، ۱۳۸۴، ص. ۶۵).

۲،۲،۲ معنای اصطلاحی نظام در میان اندیشمندان مسلمان

آنچه از اندیشمندان مسلمان در باب تعریف نظام مطرح است به طور عمده ناظر به نظام مضاف



(نظام دینی، نظام فقهی، نظام اجتماعی و ...) است نه تئوری عمومی نظام و معمولاً کسانی که تعریف آن‌ها ناظر به مطلق نظام است همان تعریف معهود اندیشمندان غربی را مطرح کرده و قید یا قیودی به آن اضافه کرده‌اند. لذا نگارنده به هر دو سنخ تعاریف اشاره می‌کند.

جدول ۲: معنای اصطلاحی نظام از منظر اندیشمندان مسلمان

مفهوم اصطلاحی «نظام»	نظر به پرداز
اسلام در ورای احکام، دارای یک نظام بنیادی است که «مکتب» اجتماعی اسلام است (صدر، ۱۳۷۵، ص. ۲۱۰). از نگاه شهید صدر (ره) اسلام علاوه بر احکام اجتماعی، دارای مذهب و مکتب اجتماعی است که گاهی از آن به نظام اجتماعی تعبیر می‌شود (صدر، ۱۳۷۸، ص. ۱۱۰).	شهید آیت الله سید محمد باقر صدر
مکتب [نظام] اجتماعی منظومه‌ای است که زیربنای احکام اجتماعی است؛ غیر از این احکام، لایه‌های دیگری از نظریه‌ها و قواعد عمومی قابل استناد به شریعت وجود دارد که دارای نظم و نسق و انتظام خاصی بوده و قطعات یک پازل و جورچین به شمار می‌روند؛ به طوری که یک «کل» و یک بسته پیشنهادی را در عرصه سیاست، فرهنگ یا... را شکل می‌دهند و با سایر نظام‌های اجتماعی اسلام هم ارتباط برقرار می‌کنند (صدر، ۱۳۷۸، ص. ۲۵۴).	
در اسلام قوانینی کلی وجود دارد که حالت تحلیلی دارد و حاکم بر منظومه‌های احکام است. در نظام به دنبال کشف قواعد تحلیلی هستیم که مبین نگاه اسلام به آن حوزه است (اعرافی، ۱۳۹۳). روح مسأله نظام این است که ما با یک تحلیل از این سطح روین به عمق می‌رسیم. که این عمق، قواعد بنیادین است (اعرافی، ۱۳۹۳).	حجت الاسلام علیرضا اعرافی
در تعریف نظام اجتماعی (نظام به معنای کلان) می‌توان چنین گفت: الگوی روابط متقابل و منظم حاکم بر جمعی از انسان‌های دارای هدف مشترک و برخورد از رهبری و مدیریت مرکزی واحد (اراکي، ۱۳۹۳، ص. ۵۳).	حجت الاسلام محسن اراکی
اسلام در هر زمینه بر اساس مکتب خود مجموعه‌ای از نهادهای جهان شمول را عرضه می‌کند که با یکدیگر روابطی خاص دارند و دستگاہی هماهنگ را تشکیل می‌دهند که بر اساس «مبانی»، تحقق بخش «اهداف» خواهد می‌باشند. این دستگاہ نهادهای جهان شمول در هر باب را «نظام» می‌نامد (هادوی تهرانی، ۱۳۷۷، ص. ۱۰۲).	حجت الاسلام دکتر مهدی هادوی تهرانی
نظام مجموعه اجزای به هم پیوسته، هماهنگ، مترتب بر هم و هدفمند است که انسان را به غایت خلقت نزدیک می‌کند (کعبی، ۱۳۹۲).	آیت الله عباس کعبی
فقه نظام‌های احکام را به صورت یک «نظام» می‌بیند؛ یعنی احکامی نیستند که روی موضوعات منفصله جعل شده باشند بلکه یک مجموعه به هم پیوسته هستند که یک کل یا سیستم یا نظام و پیوستار را به ما تحویل می‌دهند. این احکام که نظام واحدی را تشکیل می‌دهد دارای یک مبنای واحد بوده و اگر محقق شوند، برآیند و نتیجه واحدی خواهند داشت (میرباقری، ۱۳۹۲).	حجت الاسلام و المسلمین میرباقری
تگرش نظام‌مند به دین یعنی تحلیل گزاره‌های دین برای کشف سازه‌ها و فرآیندها در مقیاس کلان تمدن‌سازانه (واسطی، ۱۳۸۳، ص. ۱۲۱).	حجت الاسلام و المسلمین عبدالحمید واسطی
سیستم یا شبکه، مجموعه‌ای از عناصر است که با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و برای تحقق یک هدف در تلاش‌اند. در هر شبکه، تغییر هر جزء دیگر اجزاء و بر کل تأثیر دارد و هیچ‌یک از عناصر اثری مستقل و جدا از مجموعه نمی‌گذارند و نمی‌پذیرند (واسطی، ۱۳۸۸، ص. ۸۹).	
اگر باور داریم که اسلام احتیاجات انسان را در عرصه‌های مختلف حیات او تأمین و مدیریت کرده است، باید معتقد باشیم این تأمین در قالب یک نظام که اجزای آن هماهنگ و سازواری دارد تدوین شده است و هماهنگی و سازواری اندیشه، عقاید، الزامات، احکام، اخلاقی و عرفان می‌توانند آن نظام را معرفی کنند (سعدی، ۱۳۹۲، ص. ۱۴۵).	حجت الاسلام و المسلمین سعدی
جریانی است که به مجموعه‌های مرتبط هدفمند، معنا می‌دهد و آن‌ها را تبیین و تحلیل می‌کند (صفایی، ۱۳۸۹، ص. ۱۲۵). آنچه معمولاً در تعریف نظام آورده می‌شود در حقیقت، مجموعه منظمه است نه نظام. نظام، عامل پیوند است (صفایی، ۱۳۸۹، ص. ۱۲۷).	استاد علی صفایی
نظام مجموعه روابطی است که انسان ایجاد کرده تا در بستر آن روابط، جریان نیاز و ارضای نیاز شکل بگیرد (پیروزمند، ۱۳۹۱، ص. ۱۱۲).	حجت الاسلام پیروزمند
نظام‌سازی یعنی «ایجاد منسجم‌ترین و معقول‌ترین ساختار بین اجزای یک مجموعه که کوتاه‌ترین و سریع‌ترین مسیر به سوی هدف را موجب شود (نبوی، ۱۳۷۵، ص. ۱۴).	حجت الاسلام سید عباس نبوی
هر سیستم کارآمدی از چهار رکن: (۱) ساختار کلی، (۲) روابط پیوسته و منسجم، (۳) عقلانیت و (۴) سرعت در جهت هدف، تشکیل می‌شود (نبوی، ۱۳۷۵، ص. ۱۶).	

چند نکته در تعریف نظام از دیدگاه اندیشمندان مسلمان قابل مطرح است که عبارت‌اند از:
 ۱) عمده تعاریف ناظر به نظام اجتماعی دینی است و از همین جهت نیز معمولاً نظام مضاف مطرح

شده است نه مطلق نظام. هر چند این تعاریف به یک اعتبار تعریف نظام‌سازی را نیز مشخص کرده و از این جهت وافی به مقصود نگارنده هست.

۲) برخی تعاریف که ناظر به مطلق نظام است بر عنصر پیوند، روابط و ساختار تأکید داشته و قائل به این‌همانی نظام و ساختار شده‌اند. هر چند به جهت توجه به پویایی نظام، ساختار را منقطع تلقی کرده‌اند (ساختار رافع نیاز، ساختار معقول و ساختار معنا بخش).

۳) در نظام‌های اجتماعی ویژگی‌هایی چون جهان‌شمول بودن عناصر، رهبری واحد و متمرکز، نهادی بودن (رفتار تثبیت شده)، مبناداری اجزاء و غایت‌مندی تمدن‌سازانه به چشم می‌خورد.

۳.۲. ارتباط نظام‌سازی با نظریه عمومی سیستم‌ها

ریچارد ای. بال^۱، مفهوم روشنی از جهت گیری رابطه‌ای نظریه عمومی نظام‌ها^۲ ارائه می‌دهد: «نظریه عمومی نظام‌ها، کارش را با مفهوم فرایندی واقعیت آغاز می‌کند و واقعیت را به عنوان چیزی در نظر می‌گیرد که اساساً متشکل از روابط میان روابط است، درست مانند مفهوم «گرانش»^۳ (یا جاذبه) که در فیزیک نوین به کار برده می‌شود. اصطلاح «گرانش» به هیچ‌وجه موجودیت چیزی را توصیف نمی‌کند. چیزی به عنوان «گرانش» وجود خارجی ندارد. در واقع «گرانش»، مجموعه‌ای از روابط است. تصور این روابط در مقام موجودیت‌ها، افتادن در دام شیء‌انگاری است. نظریه عمومی نظام‌ها از جامعه‌شناسان می‌خواهد که منطق روابط را توسعه دهند و واقعیت اجتماعی را بر حسب مفاهیم رابطه‌ای محسوم سازند (بال^۴، ۱۹۷۸، ص. ۶۶).

مبتنی بر آنچه «بال» گفته است نباید در نظریه نظام، ذهن محقق، منحصر در شناخت روابط میان اشیاء شود بلکه توسعه روابط دریافت شده از اشیاء به سوی واقعیت (امر) اجتماعی اراده شده است. هر چند مبتنی بر ذات توصیفی علوم اجتماعی در غرب، کشف منطق روابط میان اشیاء و توسعه آن به هدف امداد جامعه‌شناس در شناخت روابط اجتماعی صورت می‌پذیرد.

البته شکی نیست که رایحه‌انگاره‌های پوزیتیویسم در تحلیل اجتماعی مبتنی بر نظریه نظام، استشمام می‌شود لکن اگر به سلسله‌مراتب بولدینگ^۵ در طبقه‌بندی سیستم‌ها توجه شود سیستم‌های سطح بالاتر چون اجتماع، ویژگی‌های سیستم‌های سطح پایین‌تر چون جمادات را دارد هر چند علیحده بر آن، ویژگی‌های ممتاز خود را نیز داراست.

لذا بخشی از شناخت اجتماع مبتنی بر رویکرد پوزیتیویستی ممکن‌الاحصول است لکن نباید اجتماع انسانی را تقریبی از اشیاء تلقی کرد و مطلقاً همان روابطی که میان اشیاء حاکم است را تعمیم به اجتماع داده و به جهت گیری‌های فیزیکالیستی در تحلیل اجتماعی روی آورده شود چرا که این امر، عین خطا و انحراف در تحلیل خواهد بود.

1. Richard, A. Ball.

2. General system theory

3. Gravity

4. ball

۴.۲. معنانشناسی نظام‌سازی قرآنی

تعاریفی که معمولاً از نظام‌سازی در ادبیات عمومی این حوزه از زبان اندیشمندان ارائه می‌شود در قالب چهار عنوان قابل تقسیم است که عبارت‌اند از: نظام‌شناسی، نظام‌یابی، نظام‌سازی و نظام‌گذاری.

برخی از تعاریف نظام‌سازی ناظر به انکشاف نظام‌های تکوینی بود که مبتنی بر رویکردهای هستی‌شناسانه قابل تحقق است. برخی از تعاریف ناظر به کشف احکام تشریعی است که مبتنی بر اجتهاد بر مبنای ادله سه‌گانه کتاب، سنت و عقل صورت می‌پذیرد. برخی از تعاریف ناظر به اعتبارات بعدالاجتماع است که در حوزه‌های مختلف اجتماعی جهت تحقق احتیاجات حیات طبیعی بشر صورت می‌پذیرد و ادراکات اعتباری یا علوم عملیه متکفل این اعتباراتند. برخی از تعاریف نیز ناظر به تحقق عملی نظام‌های تشریعی و اعتباری و تعیین یافتن آن‌ها در عالم خارج از ذهن انسان است که ابزارهای سیاستی به عنوان عامل تحقق این حیث از نظام‌سازی است.

جدول ۳: گونه‌شناسی معنایی نظام‌سازی قرآن‌بنیان

ردیف	ابعاد نظام‌سازی	ساحت	تعریف	منابع	ابزار
۱	نظام‌شناسی	تکوین	شناخت نظام حقایق تکوینی عالم	طبیعت، عقل، قلب و تاریخ (مطهری، ج ۱۳، ۱۳۸۱، صص. ۳۷۳-۳۸۴)	دریافت‌های حس، ادراکات عقلی، شهود باطنی، گرایش‌های فطری و معارف وحیانی (مطهری، ۱۳۸۱، ج ۱، صص. ۴۷-۵۸)
۲	نظام‌یابی	تشریح	کشف اراده تشریعی خداوند یا همان نظام احکام	قرآن، سنت و عقل (جوادی آملی، منزلت عقل)	اجتهاد
۳	نظام‌سازی	ذهنیت	بسط مفاهیم حقیقی در قالب نظام ادراکات اعتباری مبتنی بر احساسات انسان جهت رفع احتیاجات حیاتی‌اش (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص. ۱۶۷)	وهم و خیال (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص. ۱۶۳)	اعتبارات
۴	نظام‌گذاری	عینیت	عینیت یافتن خرده‌نظام‌های اجتماعی در جامعه در قالب نظام اقدامات هماهنگ و یکپارچه جهت تحقق اهداف از پیش تعیین شده	علوم مختلف انسانی و اجتماعی با محوریت علم سیاست‌گذاری عمومی	سازوکار یا ابزارهای خط‌مشی

نگارنده، چهار تعریفی که از نظام‌سازی در میان اندیشمندان مسلمان شایع است را ارزش‌گذاری نکرده بلکه نظام‌سازی بالمعنی‌الاعم را ناظر به هر چهار عنوان دانسته و از آن‌ها تحت عنوان ابعاد نظام‌سازی یاد می‌کند و غفلت از هر بعد از ابعاد چهارگانه را ناقض کمال فرایند نظام‌سازی می‌پندارد هر چند نظام‌سازی بالمعنی‌الاخص را اسناد به فرایند اعتباریات می‌دهد. اما اینکه هر یک از ابعاد چهارگانه فرایند نظام‌سازی چه نسبتی با معارف قرآن مجید پیدا می‌کنند نیز سؤال مهم این تحقیق است. لذا در ادامه به نظام‌سازی مضاف به قرآن ناظر به ابعاد چهارگانه پرداخته خواهد شد؛ یعنی نظام‌شناسی قرآنی، نظام‌یابی قرآنی، نظام‌سازی قرآنی و نظام‌گذاری قرآنی.

۱،۴،۲. نظام‌شناسی قرآنی

شارع مقدس در منابع (ادله) شرعی در باب گزاره‌های هستی‌شناختی و نظری، تعهدی بر جامعیت ندارد ضمن آنکه دلیلی بر جامعیت نیز در دست نیست. این گزاره‌ها مبتنی بر اراده هم نیست تا در مقام شناخت آن بتوان از ادله شرعی (که دال بر اراده تشریحی خداوند است) استفاده کرد. لذا باید در مقام نظام‌شناسی؛ یعنی شناخت قواعد نظام تکوین از منابع شناخت نظری استفاده کرد. ضمن آنکه شناخت این قواعد امکان تغییر آن‌ها را فراهم نمی‌کند بلکه امکان استخدام آن‌ها جهت نیل به خواسته‌های بشری را فراهم می‌آورد. لذا قرآن در باب نظام‌شناسی تکوینی به عنوان منبع نقلی، حائز اهمیت بوده و مرجعیت دارد هرچند کشف تمام قواعد نظام تکوین غیر از قرآن، نیازمند سایر منابع نقلی، عقلی و تجربی نیز است.

۲،۴،۲. نظام‌یابی قرآنی

اجتهاد، فرایند تحصیل اراده تشریحی خداوند از ادله‌ای است که دال بر آن اراده است. ادله سه‌گانه کتاب، سنت و عقل نیز در مقام عرضه به شارع، مورد تأیید قرار گرفته است ضمن آنکه در مقام اراده‌گرایی تشریحی، شارع مدعی بر جامعیت ادله شرعی نیز هست. قرآن، به عنوان یکی از منابع یا ادله شرعی (و البته در رأس ادله) است هرچند جهت کشف احکام شرعی و نیل به اراده تشریحی خداوند غیر از قرآن دو منبع دیگر نیز وجود دارد که سنت و عقل است. ضمن آنکه ادعای جامعیت ادله در ساحت شریعت شده است (شریعت مقدس اسلام در مقام تلقی، تثبیت و بیان پیامبر، برخوردار از کمال و معصومانگی است) و نه تفقه بالمعنی الاخص حال ممکن است فقیه در مقام تفقه، به مراد شارع دست یابد یا نیابد. هرچند در مقام کشف فقیهانه احکام شرعی نیز برخی از فقهاء قائل به انسداد شده‌اند. البته در مقام رجوع مجتهدانه به قرآن نیز معمولاً از امر و نهی الهی که در قالب انشائیات آمده بحث می‌شود که موجود در آیات الاحکام است و لذا بسیاری از آیات قرآن نیز در امر نظام‌یابی قرآنی مورد غفلت قرار می‌گیرد.

۳،۴،۲. نظام‌سازی قرآنی

این نظام‌سازی ناظر به علوم اعتباری یا عملی است که بشر به صورت عرفی برای خود جهت رفع نیازهایش و تحقق اغراضش اعتبار کرده است. رویکرد فرد محقق در این علوم که موضوعش انسان و جوامع انسانی است و عمده قواعدش اعتباری است. (گرچه برخی قواعد فطری و طبیعی نیز دارد) هرچند در حمل اولی توصیفی است لکن در حمل شایع، تجویزی است و محقق به عنوان عنصر فعال و عامل دخیل در تغییرات قواعد انسانی یا اجتماعی است. این علوم، علومی است که بخش محدودی از موضوعش راجع به امور فطری و طبیعی مثل استخدام‌گر بودن انسان است و بخش وسیعش ناظر به انتخاب‌های انسانی است؛ یعنی این علوم از یک سو قواعد حاکم بر



انتخاب‌هایی که انسان مبتنی بر اختیاری که دارد صورت می‌دهد را مورد مطالعه قرار می‌دهد و از سوی دیگر انتخاب‌هایی که باید انسان‌ها به صورت فردی یا جمعی در فضای اجتماعی صورت دهند را جهت‌دهی می‌کند.

علوم اعتباری از آنجا که احساسات و دواعی انسان به تناسب نیازهای جوال، سیال، متکثر و متعددی که دارد دائماً در حال تغییر و تغایر است انتظار از قرآن جهت ارائه یک الگوی متناسب با این نیازهای دائماً متغیر، انتظار به جایی نیست هر چند در بعد فطری و طبیعی که مشترک میان انسان‌ها و غیر قابل تبدیل و تحویل است می‌توان از قرآن کمک گرفت. ادراکات اعتباری و بنیان‌های فرهنگی به عنوان علوم عملیه نسبت با نیاز، دواعی، اختیار و انتخاب بشر دارد. اعتباریات ابتناء بر احساساتی دارد که خود آن‌ها هم مولود اقتضایی است که قوای فعاله ما، و جهازات عامله ما دارد، و ما را وادار به اعمالی جهت استكمال خود می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰، صص. ۱۵۷-۱۷۳). البته در همین علوم اعتباری و عملی نیز ممکن بلکه ضروری است که مبانی از قرآن اخذ شود همچنان که رهبر معظم انقلاب اسلامی فرمودند: «ریشه، پایه و اساس علوم انسانی را در قرآن باید پیدا کرد. یکی از بخش‌های مهم پژوهش قرآنی این است. باید در زمینه‌های متعدد به نکات و دقائق قرآن توجه کرد و مبانی علوم انسانی را در قرآن کریم جستجو و پیدا کرد. این یک کار بسیار اساسی و مهمی است. اگر این شد، آن وقت متفکرین و پژوهندگان و صاحب‌نظران در علوم متعدد انسانی می‌توانند بر این اساس، بناهای رفیعی را بنا کنند»^۱.

۲، ۴، ۴. نظام‌گذاری قرآنی

نظام امری است که باید در عالم خارج از ذهن محقق شود و در جامعه عینیت یابد تا اهداف تحقق یابند. درست است که نظام مرضی اسلام، مربوط به زمان و مکان خاصی نیست لکن عینیت خارجی اش در مقتضیات زمانی و مکانی متفاوت، متعدد است؛ این عینیت خارجی را سازو کار می‌نامند. بنابراین نظام از یک سو بر فلسفه، اخلاق و مکتب استوار است و از این جهت برخوردار از عناصر جهانشمول است و از سوی دیگر با سازو کار ارتباطی کاملاً منطقی داشته و از این جهت برخوردار از عناصر موقعیتی است. سازو کار همان عناصر نظام است که در شرایط خاص پیاده شده است.

برای طراحی سازو کار، عینیت نظام در یک موقعیت خاص، لازم است به موارد ذیل توجه شود:

نخست، مدل اجرایی انتخاب شده با نظام سازگار باشد؛

دوم، از بین مدل‌های مطرح، مدلی انتخاب شود که در رسیدن به هدف، کارآمدتر و سهل‌الوصول‌تر و سریع‌تر باشد (هادوی تهرانی، ۱۳۷۷).

از آنجا که این ساحت از نظام‌سازی ناظر به اصلاح امور انسانی است برای بهره‌مندی از قرآن به عنوان منبع اصلی نقلی اسلامی، باید دید این کتاب شریف، جهت اصلاح امور انسانی چه فرایندی را پیشنهاد کرده است؟ مثلاً چگونه در جامعه جاهلی الغای برده‌داری، زنده به گور کردن دختران،

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در جمع بانوان قرآن‌پژوه، مورخ ۱۳۸۷/۲۸

ربا، شراب‌خواری، بی‌حجابی و ... صورت پذیرفت؟
این سطح از نظام‌سازی مبتنی بر رویکرد تنزیلی به تفسیر قرآن قابلیت تحلیل مناسبی را داراست
یعنی مطالعه و بررسی کیفیت حرکت و گذار جامعه جاهلی به سمت جامعه ایمانی با هدایت و
راهبری رهبر جامعه اسلامی (بهجت‌پور، ۱۳۹۲).

۳. چرایی نظام‌سازی قرآن بنیان

سخن از چرایی نظام‌سازی در حقیقت سخن از ضرورت آن است. اما به راستی چرا نظام‌سازی
قرآن بنیان در شرایط امروز کشور ضرورتی بیش از هر زمان دیگر دارد؟
اولاً، جهت اثبات ضرورت نظام‌سازی و ثانیاً قرآن بنیان بودن آن می‌توان به نکات ذیل اشاره کرد:
۱) حفظ انقلاب، دستاوردهایش و کسانی که به عنوان انقلابی در رأس خرده‌نظام‌های اجتماعی قرار
می‌گیرند در گرو نظام‌سازی است! ضامن بقای آرمان‌های انقلاب، ایجاد خرده‌نظام‌های اجتماعی
و اشراب آن‌ها از آرمان‌هاست.

۲) تحقق اهداف مادی و معنوی نظام اسلامی متوقف بر حفظ مبادی و اصول نظام اسلامی یا همان
هویت نظام بوده و لاجرم امری زمان‌بر و محتاج صبوری است. نباید پافشاری بر اصول و مبادی را
خلاف عقلانیت و مانع پیشرفت تلقی کرد. اما باید دانست حفظ هویت نظام اسلامی مرهون ایجاد
خرده‌نظام‌های اجتماعی مبتنی بر اسلام است! ضامن تحقق اهداف نظام اسلامی، حفظ هویت
انقلابی نظام است که آن نیز منوط به ایجاد خرده‌نظام‌های اجتماعی متناسب با آرمان‌های انقلاب
اسلامی است.

۳) فقدان نظام‌سازی اسلامی، راه را برای تحمیل الگوهای لائیک یا لیبرالیسم غربی، یا ناسیونالیسم
افراطی، یا گرایش‌های چپ مارکسیستی جهت اداره جامعه باز می‌کند! عدم نظام‌سازی متناسب
با آرمان‌های انقلاب اسلامی راه را برای نفوذ و متعاقب آن، اتباع از الگوهای غربی در محافل
تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری نظام فراهم می‌کند.

۴) اندیشمندان مسلمان علوم انسانی می‌توانند از پیشرفت‌های دیگران، غربی‌ها و کسانی که
در علوم انسانی پیشرفت داشتند، استفاده بکنند، لکن مبنا باید مبنای قرآنی باشد! اگر بنیان‌های
خرده‌نظام‌های اجتماعی، ابتناء بر معارف قرآنی نداشته باشد رکون به الگوهای غربی پیدا خواهد
کرد و راه را برای نفوذ اندیشه سکولار در حاکمیت باز خواهد کرد.

۵) عدم اتباع از کافرین نیز در قالب جهاد کبیر و با ابتناء بر معارف و حیانی قرآن کریم صورت
خواهد پذیرفت. خداوند به پیامبر می‌فرماید «از کفار اطاعت مکن و با آن‌ها (با این عدم اطاعت یا
با قرآن) جهاد کبیر کن» (فرقان/ ۵۲). جهاد کبیر، یعنی اطاعت نکردن از دشمن، از کافر؛ از خصمی

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در اجلاس جهانی اساتید دانشگاه‌های جهان اسلام و بیداری اسلامی، مورخ ۹۱/۹/۲۱

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع اعضای مجلس خبرگان، مورخ ۹۰/۶/۱۷

۳. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی، مورخ ۹۰/۶/۲۶

۴. سخنان رهبر معظم انقلاب در جمع بانوان قرآن‌پژوه، مورخ ۱۳۸۸/۷/۲۸

که در میدان مبارزه با تو قرار گرفته، یعنی تبعیت نکردن در میدان سیاست، در میدان اقتصاد، در میدان فرهنگ، در میدان هنر و در میدانهای متعدد. از کافرین نکن، پس چه کار کن؟ تو برنامه داری؛ تو برنامه کار داری، برنامه زندگی داری؛ وحی الهی تو را تنها نگذاشته است؛ قرآن در اختیار تو است (احزاب/۱-۳).

۶) قرآن کریم نیز مجموعه‌ای فراگیر از اعتقادات، اخلاق و احکام در حوزه فردی و اجتماعی است که باید به‌طور یکجا مورد التزام قرار گیرد؛ التزام به بخشی و رها کردن بخش‌های دیگر ذلت در دنیا و اشد مجازات اخروی را در پی دارد.^۱ آیات قرآن همچون پیکره واحد هستند و حذف برخی از آیات، حیات و کارایی لازم را از آنان می‌گیرد. آیات الهی ارتباط سیستمی بسیار شدیدی با یکدیگر دارند که در نظر و عمل باید بدان توجه کرد و قرآن به هیچ وجه گسستگی اجزای آن نمی‌پذیرد (نقی پورفر، ۱۳۸۳، صص. ۲۷-۲۹).

۷) غرض اصلی قرآن، هدایت است. این غرض به مثابه هسته مباحث است و نباید به غیر از این هدف به این کتاب رجوع شود که غرضی جز این باعث سرخوردگی می‌شود. خواننده منتظر آن نباشد که در این کتاب به اسرار انسان‌ها آگاه شود چون قرآن، تنها آن مقدار را که مربوط به هدایت بشر و ضلالت او و سعادت و شقاوتش می‌شود بیان داشته است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ص. ۱۷۶). پس یافتن نظام هدایتی در این کتاب عظیم در قالب نظام‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی امری دست یافتنی و مقبول است.

برای مثال در نظام اقتصادی قرآن، آیات «وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ (عادیات/۸)» اشاره به طبع اولی انسانی در مال‌گرایی، «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا» (نساء/۲۹) اصل تجارت بر مبنای رضایت طرفین، «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (اعراف/۹۶) نامحدود بودن منابع در صورت ایمان و تقوا، «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمَوْلَىٰ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (توبه/۶۰) مصارف صدقات، زکات و تأمین مالی و توجه به اقشار آسیب‌پذیر و همچنین «كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةٌ بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» (حشر/۷) در رفع انحصار سرمایه‌های عمومی نزد گروه خاص (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص. ۳۸۷) به خوبی مبادی تأسیس یک نظام اقتصادی قرآنی را فراهم می‌کند.

۴. چگونگی نظام‌سازی قرآن بنیان

بعد از آنکه از چیستی یا ماهیت و چرایی یا ضرورت نظام‌سازی صحبت شد لازم است از چگونگی یا روش‌شناسی تحقق نظام‌سازی مبتنی بر مبادی تصویری ایجاد شده در بخش چیستی سخن به میان آید. باید توجه داشت که نظام‌سازی در هر ساحتی که انجام می‌گیرد در مقام رجوع محقق به منابع

۱. در این مورد قرآن کریم می‌فرماید: «مَنْ أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَ تُخْرَجُونَ فَرِيقًا مِنْكُمْ مِنْ ديارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِم بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِنْ يَأْتُوكُمْ أُسَارَى فَفَادُوهُمْ وَ هُوَ أَحْسَنُ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجَهُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ بَغِضِ الْكِتَابِ وَ تَكْفُرُونَ بَعْضُ مَا جَاءَ مِنْ بَعْضِ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَى أَسْفَلِ الْعَذَابِ وَ مَا اللَّهُ بِعَاقِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (بقره/۸۵)».

دینی از جمله قرآن مجید، معمولاً خالی از پیشینه و ادبیات علمی نیست. محقق در فضای علمی «رجما بالغیب» عمل نمی‌کند بلکه در دامنه ادبیات موضوع تحقیق یا نوع مواجهاتی که با مسئله مورد بحث او شده است در محضر قرآن مجید وارد می‌شود. لذا محقق بدون تصورات و تصدیقات علمی وارد در نظام‌سازی خواه در مرتبه نظام‌شناسی، نظام‌یابی، نظام‌سازی (اعتباری) و یا نظام‌گذاری در قالب پژوهش یا برنامه پژوهشی نمی‌شود. اما این مهم است که قرار گرفتن در محضر قرآن چگونه بهره‌مندی محقق را جهت نظام‌سازی افزون می‌کند؟

۱،۴. رویکرد امضایی

۱،۱،۴. رویکرد امضایی - استشهادی: نظام‌سازی قرآنی بر اساس شاکله‌ها و طرح‌های برون قرآنی

در این رویکرد طرح‌واره ذهنی محقق، بیرون از قرآن شکل گرفته و این طرح و قالب به قرآن عرضه شده و از مصالح قرآنی اشراب می‌شود. آنجا که مصالح قرآنی امکان جایابی در طرح‌واره ذهنی محقق را دارد به عنوان شواهدی بر تأیید طرح‌واره مورد توجه قرار گرفته و قرآنی بودن آن را نتیجه می‌دهد و آنجایی که آیات در آن طرح‌واره جای نمی‌گیرد (تعارض علم و قرآن رخ می‌دهد) توسط محقق تأویل می‌شود. لذا در این موارد اولاً نظر جدیدی از قرآن استخراج نشده بلکه صرفاً قرآن با عینک جدید بازخوانی شده و آیات قرآن به مثابه مستشهادتی هستند که به افزایش قدرت اثبات‌پذیری طرح‌واره کمک می‌کنند. معمولاً تفسیرهای علمی از قرآن مبتنی بر این رویکرد انجام می‌پذیرد.

۲،۱،۴. رویکرد امضایی - استنباطی: نظام‌سازی فقهی

فقه بالمعنی الاخص که معمولاً رویکردی انفعالی به مسائل داشته و حیات استفتائی دارد متکفل مشروع‌سازی و اسلامی‌سازی علوم می‌تواند باشد. توضیح آنکه اجزاء علوم اعم از موضوع، مسائل، روش، غایت و ... به فقیه در قالب استفتاء داده شود و حکم اسلام از منظر آن فقیه ناظر به پرسش دریافت شود. یقیناً یکی از منابع اصلی رجوع فقیه جهت پاسخ به این قبیل سؤالات قرآن کریم خواهد بود. ثمره این رویکرد فقه‌الاداره، فقه‌الثقافه، فقه‌الاقتصاد، فقه‌السیاسه و ... خواهد بود. لذا در این رویکرد طرح‌واره‌های ایجاد شده توسط دانش متعارف متکی بر استنباطاتی که از منابع دینی صورت می‌گیرد مورد نقد و جرح و تعدیل و نهایتاً تأیید قرار می‌گیرد.

ایراداتی که به این رویکرد وارد است عبارت‌اند از:

۱) این رویکرد کاملاً انفعالی است، نه امکان تعریف میدان تعاملات و مناسبات علمی را دارد و نه بعد از آن قدرت مدیریت و کنترل بر کنش‌های علمی متحقق در میدان تعریف شده را خواهد یافت.

۲) این رویکرد در شرایط تعریف شده است لذا هم جهت با حال پیش می‌رود و بر اساس همین جهت‌گیری است که حیات این رویکرد را باید حیات استفتایی نامید.

۳) حرکت در میدان علمی متعارف در علوم مختلف تا زمانی میسر و احیاناً مطلوب خواهد بود



که اختلاف مبنایی میان رویکرد علمی و دینی پیش نیاید. لذا حرکت بنایی به شرط موافقت مبانی، عمده کارکرد این رویکرد در فضای متعارف علمی است. اما هرگونه اختلاف مبنایی، اول مشکل و برگشت به پله اول اسلامی سازی علوم است. لذا این رویکرد از جهات هزینه‌بری و زمان‌بری و صدا البته امیدبخشی، از ریسک بالایی برخوردار است.

۲،۴. رویکرد تأسیسی - استکشافی (نظام‌سازی قرآنی بر اساس کشف نظام‌ها از قرآن)

در این بخش از نظام‌سازی، برخلاف شق پیشین، مقصود این نیست که نظامی وجود ندارد و باید آن را ساخت. بلکه محقق می‌خواهد الگوهای یک نظام موجود را از قرآن کشف و بازسازی یا برون‌سازی کند. کسانی که بر این نهج عمل می‌کنند معتقدند باید سازه و طرح‌واره کلی را نیز از قرآن و نصوص استخراج کرد هرچند داده‌ها از روش‌های متعارف بشری چون روش تجربی جمع‌آوری شوند.

۱،۲،۴. ایرادات این رویکرد عبارت‌اند از:

(۱) ورود محققانه هر اندیشمند دینی در قرآن به معنای مواجهه ذهن او با وحی است لکن خروجی این مواجهه وحی نیست بلکه نقل است. قرآن در الفاظ و مفاهیم اسناد به خداوند دارد همچنانکه خداوند در سه مقام معصومانگی قرآن و رسول خدا (ص) را ثابت می‌کند:

معصومانگی تلقی: «إِنَّكَ لَتَلَقَّى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنِّ حَكِيمٍ عَلِيمٍ.» (نمل/۶).

معصومانگی اقرار: «سُنُّرُوكَ فَلَا تَنْسِي.» (اعلیٰ/۶).

معصومانگی بیان: بیان همه چیز توسط رسول خدا؛ «وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ.» (تکویر/۲۴).

اسناد هرچه رسول خدا می‌گوید به خدا: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ.» (نجم/۳-۴).

و پیامبر از هر گونه دخل و تصرف در الفاظ و مفاهیم از ناحیه خداوند نهی شده است:

«وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقْوَابِ * لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ * ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ * فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِيزٍ.» (حاقه/۴۴-۴۷).

لکن فهم مفسر یا هر مواجهه‌کننده از قرآن، ضرورتاً مطابق با وحی یعنی اراده و مقصود پروردگار نیست و یقیناً پیش‌فرض‌ها و شاکله ذهنی مفسر در تفسیر او از آیات قرآن دخیل است.

(۲) اصل مواجهه با قرآن و دریافت و استنباط بسیاری از مفاهیم و معارف حقه قرآنی منوط و متوقف بر سؤال است. استنطاق از قرآن، نیاز به لسان سؤال و قلب عقول دارد. در برخی از آیات قرآن، خداوند پرسش مسلمانان را طرح و پاسخ آن را به نبی مکرم اسلام (ص) گوشزد می‌کند (مانند اسراء/۸۵، انفال/۱، اعراف/۱۸۷ و ...) و برخی از معارف قرآن نیز در قالب سؤال بیان می‌شود (قدر/۲-۵، قارعه/۲-۵) و نهایتاً اینکه برخی معارف و حیانی در قالب سؤال، قابل کشف و دریافت است، «لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَأَخْوَتِهِ آيَاتٍ لِّلسَّائِلِينَ.» (یوسف/۷).

حال باید پرسید سؤال چگونه برای آدمی ایجاد می‌شود؟ یقیناً سؤال مبتنی بر یک طرح‌واره ذهنی

از عالم خارج ایجاد شده و پاسخ بدان در بستر همان طرح‌واره برای او تولید معرفت می‌کند. سؤال از چرایی افتادن سیب بر روی زمین برای نیوتن رخ داد و پاسخ بدان نیز پازل ذهنی او از واقعیات کتاب تکوین را تکمیل کرد. لذا کسب معرفت از قرآن کریم بدون پیش‌فرض ممکن نبوده و اگر ممکن باشد در ساخت یک نظام معرفتی همه‌جانبه از کتاب تدوین کفایت نمی‌کند چرا که همواره ذهن انسان ظرف دریافت و تحلیل مفاهیم و حیانی است. صدالبته رفت و برگشت میان قرآن و دریافت‌های بشر، اشاره دفاثن نقلی (قرآنی) را سهل‌الوصول‌تر کرده و اصلاح پیش‌فرض‌های محقق را ممکن‌الوصول‌تر می‌کند و این است تأثیر متقابل عقل و نقل بر اثاره دفاثن یکدیگر (نهج‌البلاغه، خطبه ۱).

۳) انقلاب پارادایمی در ساختارهای علمی نه ممکن و نه مطلوب است. برخلاف تقریر متعارف از ساختار انقلاب‌های علمی توماس کون به نظر می‌رسد تحقق انقلاب در علم همانند سیاست، امکان‌پذیر نیست هم به دلیل عدم تحقق انقلاب علمی تاکنون و هم ضعف مبادی فاعلی در تولید پیکره یکپارچه علم در پارادایم جدید از یک‌طرف و ضعف مبادی قابلی در گسست پیوند خود با ارکان و حتی اجزاء پارادایم قبلی و پذیرش تمامی ابعاد پارادایم جدید از طرف دیگر. البته نگارنده تقریر درست از نظریه توماس کون را در نقش عوامل قدرت در برجسته‌سازی برخی عناصر پیکره علم نسبت به سایر عناصر آن یا احیای بدیل‌های تئوری غالب می‌داند.

بنابراین نمی‌توان مطلقاً یافته‌های بشر را در دامنه‌های مختلف علمی نفی کرد بلکه باید آن را مبتنی بر نگاه انتقادی به قرآن عرضه کرد.

مبتنی بر ادله سه‌گانه، این رویکرد امکان تحقق عملی ندارد و نفی امکان، سخن از مطلوبیت آن را نیز موضوعاً منتفی می‌کند.

۳،۴. رویکرد اسفار ثلاثه: نظام‌سازی مبتنی بر دیالکتیک مبادی - مسائل

اصلاح مبادی یا همان گفتمان نظر حاکم بر جامعه علمی به نظر نگارنده با دو رویکرد امضایی (استکشافی و استنباطی) و تفکیکی - استکشافی در امکان و مطلوبیتش تردید جدی وارد است. این تردید در کلام رهبر معظم انقلاب نیز هویدا است آنجا که می‌فرمایند: «نظام‌سازی امری جاری و نه دفعی و یکباره است؛ اصلاح و تکمیل مسیر حرکت، جزو متمم نظام‌سازی است و باید با رصد و بررسی مداوم، اشتباهات را تصحیح، نواقص را رفع و نظام‌سازی را تکمیل کرد. لذا اضعاء خرده‌نظام‌های موجود اجتماعی صحیح نیست. قید اطلاق در ولایت مطلقه نیز ناظر به این معناست که دستگاه تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر نظام که در رأس آن ولی فقیه حاضر است باید خود را به طور دائم در جهت آنچه کامل‌تر و کارآمدتر است متحول کند و عدم تحول مستمر موجب پذیرش تحول تحمیلی است. حالت انعطافی در دست‌کلیددار اصلی نظام وجود دارد که در آنجایی که ضرورت می‌بیند و نه آنجایی که فشار بیرونی جهت رکون به قالب‌های غربی به او آورده می‌شود دست به تصحیح و اصلاح بنا بزند! اما این نظام‌سازی چگونه قابل تحقق است؟

رجوع به منابع (در رأس منابع، قرآن مجید) و اصطیاد مبانی از آن و یا رجوع به اصول و تفریح فروع از آن، برای اوحدی از مجتهدین، میسر و برای اکثری ایشان، مستصعب است و نبوغ شیخ اعظم انصاری و آیت الله بروجردی را نیاز دارد تا امکان تحقق یابد. اما به نظر می‌رسد رویکرد اسفاری امکان و همین‌طور مطلوبیت نظام‌سازی قرآن‌بنیان را توأمان فراهم کند.

۴.۴. مواجهه نظام با بحران

فرایند نظام‌سازی به عنوان فرایندی تدرّجی و جاری با مشاهده و احساس ایجاد بحران در یک نظام اجتماعی جهت حل مسائل پیش‌روی آن کلید می‌خورد. معمولاً وقتی نظام با بحران در حل مسائل روبرو می‌شود ابتدا مبادی نظام مورد تأمل قرار می‌گیرند. اما نگارنده اسلوبی جدید برای رفع بحران نظام پیشنهاد می‌دهد که با سفرهای سه‌گانه تحقق می‌یابد.

سفر اول، سفر من المبادی الی المسائل مع المبادی (اجمالاً - شناسایی): این سفر با علم اجمالی محقق به مبادی نظام شروع می‌شود. محقق با این علم اجمالی به سراغ شناسایی مسائل رفته و نظام مسائل یک خرده‌نظام اجتماعی را مشخص می‌کند.

سفر دوم، سفر من المسائل الی منابع مع المسائل: در این سفر، محقق با علم به نظام مسائل یک خرده‌نظام به بازخوانی منابع جهت بازشناسی (باز تعریف) مبادی و ایجاد علم تفصیلی نسبت به مبادی اهتمام خواهد کرد.

سفر سوم، سفر من المبادی الی المسائل مع المبادی (تفصیلاً - حل): در این سفر، محقق با علم تفصیلی که نسبت به مبادی پیدا کرده است به سراغ حل مسائل می‌رود. مقدمات حل مسائل نیز تعریف (حرکت از فرامسئله به سوی مسئله حقیقی)، تشریح (حرکت از مسئله حقیقی به سوی مسئله رسمی) و احساس (حرکت از مسئله رسمی به سوی موقعیت مسئله) است.

نکته: مسائل، شکاف میان «آنچه هست» و «آنچه باید باشد» است و باید‌ها یا اهداف نیز متفرع بر مبادی است. لذا در توجه به مبادی و آنچه هست، اهداف، ملحوظ است.

۵. نتیجه‌گیری

فرایند نظام‌سازی قرآنی هم ابهام‌ماهیتی داشت که در قالب چستی فرایند به طور مستوفی بحث شد؛ هم مشترک لفظی نظام‌سازی تبیین شد و نظام‌شناسی تکوینی، نظام‌یابی تشریحی، نظام‌سازی اعتباری و نظام‌گذاری عینی و سازوکارانه از یکدیگر ممتاز و هر یک ساحتی از نظام‌سازی را به خود اختصاص داد. البته بعید نیست که به همین اعتبار، نظام‌سازی را بتوان مشترک معنوی دانست که در این فرض، تعریف از نظام‌سازی در ساحات چهارگانه واحد خواهد بود و هر ساحت، فردی از افراد مطلق نظام‌سازی تلقی می‌شود. ورود قرآن به هر یک از ساحات چهارگانه نیز مورد بحث قرار گرفت. در بحث از چگونگی تحقق نظام‌سازی در ساحات چهارگانه نیز روش اسفار سه‌گانه مطرح شد که حل مسائل با رجوع به مبادی بود. باید توجه داشت که هر چهار ساحت نظام‌سازی

به طور متداخل در اسفار سه‌گانه و دیالکتیک مبادی - مسائل حضور خواهند داشت. نظام‌شناسی تکوینی و نظام‌یابی تشریحی به طور عمده منصرف به کشف مبادی هستند و نظام‌سازی اعتباری و نظام‌گذاری عینی نیز به طور عمده به حل مسائل و مواجهه با چالش‌های خرده‌نظام‌های اجتماعی منصرف‌اند. لذا توجه به این ساحات چهارگانه نظام‌سازی متکی بر قرآن، هم‌امکان کشف مبادی و هم‌متعاقب آن‌امکان حل مسائل را فراهم می‌کند.

جدول ۴: ساحات چهارگانه نظام‌سازی متکی بر قرآن

مؤلفه‌ها	مبادی	مسائل
نظام‌شناسی تکوینی	کشف مبادی حکمت نظری	کمک مسائل به فرایند کشف
نظام‌یابی تشریحی	کشف مبادی حکمت عملی	مسائل، مبدأ افتاء
نظام‌سازی اعتباری	ابتناء علوم انسانی بر مبادی قرآنی	حل مسائل در ساحت نظر
نظام‌گذاری عینی	عدم تعارض فرایندها با مبادی	حل مسائل در ساحت عمل

منابع

- قرآن کریم (۱۳۹۰). ترجمه آیت... ناصر مکارم شیرازی. بیروت: مرکز نشر جمهوری اسلامی ایران.
 جعفری، یعقوب (بی تا). تفسیر کوثر. بی جا: بی نا. نهج البلاغه.
 ابن منظور، محمد بن مکرّم (۱۴۰۷ق). لسان العرب. جلد دوازدهم، بیروت: انتشارات دار صدر.
 ازهری، محمد بن احمد (۱۴۱۲ق). تهذیب اللغة. جلد چهاردهم، بیروت: انتشارات دار احیاء التراث العربی.
 بهجت پور، عبدالکریم (۱۳۹۲). تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول)، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۲۶ق). الصحاح. جلد پنجم، بیروت: انتشارات دارالعلم للملایین.
 رضائیان، علی (۱۳۸۴). تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم. تهران: انتشارات سمت.
 ریتزر، جورج (۱۳۷۴). نظریه‌های جامعه‌شناسی دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
 سعدی، حسینعلی (۱۳۹۲). فقه مضاف. قم: سخنرانی در همایش فقه حکومتی نظام ساز.
 صاحب بن عباد و اسماعیل بن عباد (۱۴۲۲ق). المحیط فی اللغة، جلد دهم، بیروت: انتشارات عالم الکتاب.
 صدر، سید محمد باقر (۱۳۷۵). بحوث فی علم الاصول. ترجمه سید محمودهاشمی شاهرودی، نشرالمجمع العلمي للشهید الصدر.
 صدر، سید محمد باقر (۱۳۷۹). المدرسة القرآنیة. قم: نشرالمجمع العلمي للشهید الصدر.
 صدر، سید محمد باقر (۱۳۸۲). اقتصادنا (کتاب الثانی). قم: نشرالمجمع العلمي للشهید الصدر.
 صدر، سید محمد باقر (۱۳۹۰). موسوعه الشهید الصدر. قم: نشرالمجمع العلمي للشهید الصدر.
 صدر، سید محمد باقر (۱۳۷۰). اقتصادما یا بررسی‌هایی در مکتب اقتصادی اسلام. ترجمه: محمد کاظم موسوی.



- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمه محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۰). اصول فلسفه و روش رئالیسم. مقدمه و پاورقی به قلم: مرتضی مطهری، ج ۲، تهران: انتشارات صدرا.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). مجمع البحرین. جلد ششم. تهران: انتشارات مرتضوی.
- فراهیدی، خلیل ابن احمد (۱۴۱۵ق). کتاب العین. جلد هشتم. قم: انتشارات نشر هجرت.
- کعبی، عباس (۱۳۹۲). نظام‌سازی از منظر حقوق عمومی. سخنرانی در همایش نظام‌سازی انقلاب اسلامی از منظر حقوق عمومی. قم: همایش نظام‌سازی انقلاب اسلامی از منظر حقوق عمومی. مطهری، مرتضی (۱۳۸۱). مجموعه آثار. تهران، انتشارات صدرا.
- میرباقری، سید محمد مهدی (۱۳۹۱). جلسات درس خارج فقه حکومتی. سایت فرهنگستان علوم قم www.isaq.ir
- نقی پورفر، ولی الله (۱۳۸۳). اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن (نسخه ۲۴). تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات مدیریت اسلامی.
- واسطی، عبدالحمید (۱۳۸۸). نگرش سیستمی به دین. مشهد: موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام.
- هادوی تهرانی، محمد مهدی (۱۳۷۷). نظریه اندیشه مدون. فصلنامه قیسات، ۷(۱۱)، ۹۸-۱۰۸.
- Ackoff, R. L. (2000). From mechanistic to social systemic thinking. Cambridge, MA: Pegasus Communications Inc.
- Ashby, R. (1960.). Stability and adaptation. Organizations: Systems, Control and Adaptation, 2. / [a Cura Di] Joseph A. Litterer.
- Ball, R. A. (1978). Sociology and General Systems Theory. The American Sociologist, 13, 1, 65-72.
- Dahl, R. A. (1994). A Democratic Dilemma: System Effectiveness versus Citizen Participation. Political Science Quarterly, 109, 1, 23-34.
- Parsons, Talcott. (1951). The Social System. Glencoe, Illinois: Free Press.
- Radcliffe – Brown, A. R. (1952). Structure and Function in Primitive Society. New York: Free Press.
- www.khamenei.ir